

## تأثیر توانایی ساختار مدیریتی بر بهبود شفافیت شرکتها

عباس قدرتی زوارم ۱، محمد نوروزی ۲، علیرضا مالدار ۳ و خلیل دهقان ۴

۱ گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فنی و حرفه ای، شیروان، ایران

Email: Abbas.ghodratizoeram@gmail.com

۲ گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و تربیت بدنی، مدرس دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران

Email: Mohammad\_n488@yahoo.com

۳ دانشجوی کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی اشراق، بجنورد، ایران

Email: alirezamaldar70@gmail.com

۴ کارشناسی ارشد حسابداری، حسابرس دیوان محاسبات

Email: Khdehqan@gmail.com

Email: Abbas.ghodratizoeram@gmail.com نویسنده مسئول:

### چکیده

در این پژوهش به دنبال آن هستیم که تأثیر توانمندی مدیران شرکتها بر بهبود قابلیت اتکا و بهنگام بودن گزارشات مالی ارائه شده بررسی نمائیم. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۶۷ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که برای دوره ۱۳۹۹-۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده گردید. پس از بررسی توصیفی متغیرهای تحقیق با اجرای مدل رگرسیونی به روش پانل دیتا مشخص شد که هر چه میزان توانمندی مدیریت بیشتر باشد قابلیت اتکاء به گزارشات مالی بیشتر است این موضوع با معناداری ضریب رگرسیونی مورد تأیید قرار گرفته است. در فرضیه دوم مشخص شده است اگر توانمندی مدیریت شرکتها افزایش یابد گزارشات مالی به موقع تر ارائه خواهند شد.

**واژگان کلیدی:** توانمندی مدیریت، قابل اتکا بودن، به موقع بودن

## مقدمه

نقش اصلی اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تخصیص بهینه‌ی منابع است. در پی رسوایی‌های مالی اخیر، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم گزارشگری مالی ضعیف شده و در نتیجه قابلیت اتکای گزارشات مالی به‌عنوان عامل بازگرداننده اعتماد دارای اهمیت بیشتری گردیده است. در نتیجه، تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، موردعلاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها است.

اطلاعاتی قابل‌اتکاست که علاوه بر کامل بودن، عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه بااهمیت باشد و به‌طور صادقانه، معرف آن چیزی باشد که مدعی بیان آن است یا به‌گونه‌ای معقول انتظار می‌رود بیان کند.

ساختار مدیریت فرآیند به‌کارگیری مؤثر منابع انسانی و امکانات مادی برای تحقق اهداف سازمانی است. تحقق این فرآیند به‌وسیله انجام وظایف اساسی مدیران، یعنی برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری و کنترل و با توجه به‌نظام ارزشی حاکم بر سازمان امکان می‌یابد. مدیران کارا، توانایی استفاده بهتر از منابع موجود را در فرآیند تحقق اهداف سازمانی دارند. به‌عبارت‌دیگر، مدیر کارا کسی است که بتواند با استفاده از حداقل امکانات، حداکثر بهره، را به سازمان برساند (هندریکسن و ون بردا ۱۹۹۲) بنابراین مدیران همواره سعی دارند با اتخاذ سیاست‌های مالی و عملیاتی مناسب، شفافیت اطلاعات مالی شرکت را حداکثر نموده و رضایت سهامداران را نسبت به میزان سودآوری شرکت جلب نمایند.

از دیرباز موضع شرکت‌ها در مورد گزارشگری مالی این بوده که اطلاعات را در کمترین حد ممکن منتشر کنند تا از اعطای فرصت بهره‌برداری بیشتر به رقبا جلوگیری شود. بنابراین در رابطه با شفافیت مالی همواره دو چالش بزرگ پیش روی مدیران واحدهای تجاری وجود داشته که یکی از آن‌ها چگونگی برقراری تعادل بین شفافیت گزارشات مالی و عدم ارائه بیش‌ازحد اطلاعاتی بوده و دیگری اینکه اطلاعات به چه میزان، برای چه کسانی و در چه مواقعی باید منتشر شود (صیدی، ۱۳۸۴).

اگر تأخیر بی‌مورد در گزارشگری مالی وجود داشته باشد ممکن است اطلاعات مربوط بودن خود را از دست بدهند لذا مدیریت باید بین قابلیت‌های نسبی گزارشگری بهنگام و تهیه اطلاعات قابل‌اعتماد تعادل برقرار کند. یعنی برای اینکه اطلاعات بهنگام تهیه شود ممکن است لازم باشد قبل از شناسایی همه جنبه‌های معاملات و رویدادها گزارش ارائه شود که در چنین صورتی کیفیت قابل‌اعتماد بودن ضعیف می‌شود. برعکس اگر گزارشگری با تأخیر انجام شود تا همه‌ی جنبه‌های معاملات و رویدادها شناخته شوند، اطلاعات ممکن است به میزان بالایی قابل‌اعتماد باشد اما برای استفاده‌کنندگانی که مجبور بوده‌اند در آن فاصله تصمیم بگیرند کمتر مورد استفاده باشد. اطلاعات مالی برای اینکه قابل استفاده باشد باید قابل اعتماد باشند. اطلاعات زمانی دارای ویژگی قابل‌اعتماد بودن است که از جانبداری و خطای عمد عاری بوده و بوسیله استفاده‌کنندگان قابل اتکاء باشد و مفهومی را که در خود دارد به شکل درست ارائه کند. با توجه به تضاد منافع و تأثیر اطلاعات حسابداری بر ثروت گروه‌های ذی‌نفع قابلیت اتکاء گزارشات مالی از طریق حسابرسان مستقل افزایش می‌یابد.

هرگاه تأخیری نابجا در گزارش اطلاعات رخ دهد، ممکن است اطلاعات خصوصیت مربوط بودن خود را از دست بدهد. بنابراین ضرورت دارد اطلاعات تجاری هرچه زودتر به دست استفاده‌کنندگان برسد. در عصر تحولات سریع تجاری، افشای به‌موقع اطلاعات در کاهش شکاف اطلاعاتی، باارزش است. همچنین به‌منظور مفید بودن افشا و افزایش شفافیت، گزارش‌های مالی باید به شیوه‌ای قابل فهم ارائه شود. به‌عبارت‌دیگر، تنها ارائه ارقام مالی کافی نیست، بلکه ارائه توضیحات یا روش‌های محاسبه نیز ضرورت دارد.

با توجه به اهمیت میزان اعتبار اطلاعات افشاشده، برخی از عواملی که بر قابلیت اتکاء اطلاعات افشاشده توسط مدیریت از دیدگاه استفاده‌کنندگان مؤثراند عبارتند از: انگیزه‌های ناشی از موقعیت، میزان اعتبار خود مدیریت، عوامل مؤثر بر محیط گزارشگری اعم از بیرونی و درونی و ویژگی‌های ذاتی موضوع مورد افشاء. قابلیت اتکاء اطلاعات افشاشده به‌عنوان استنباط سرمایه‌گذاران از قابلیت پذیرش یک افشاء خاص تعریف می‌شود..

اطلاعاتی که در فرایند گزارشگری مالی مؤسسات فراهم می‌شود باید به‌گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاران را در ارزیابی عملکرد مدیریت، از لحاظ حفظ و به‌کارگیری بهینه منابع یاری دهد (مجتهد زاده، ۱۳۸۴). نمایندگان سهامداران یعنی مدیران به‌منابه حافظان ثروت و منابع ملی سهامداران و سرمایه‌گذاران در بنگاه‌های اقتصادی تلقی می‌شوند از این‌رو ضروری است که مدیران حداقل در پایان هر سال مالی گزارش‌های جامعی از نتیجه عملیات و اقدامات خود را که دربرگیرنده وضع مالی و نتیجه فعالیت مدیران است به‌طور صحیح و شفاف در اختیار سهامداران قرار دهند (مجتهد زاده، ۱۳۸۴).

برای تشخیص توانایی مدیریت معمولاً از دو نوع اطلاعات استفاده می‌شود (جهانخانی و پارساییان) نوع اول، اطلاعاتی است که با خصوصیات و ویژگی‌های فردی مدیران ارتباط دارد، مانند میزان تحصیلات، تجربه، موفقیت‌های قبلی، پشتکار و علاقه‌مندی. نوع دوم، اطلاعاتی است که چگونگی اعمال مدیریت مدیران را در طول گذر زمان، ارزیابی می‌کند؛ اطلاعاتی همانند وجود برنامه‌ریزی استراتژیک در فعالیت‌های سازمان، توانایی حفظ موقعیت رقابتی شرکت (رشد فروش شرکت)، توانایی توسعه شرکت و بهبود موقعیت رقابتی آن، توانایی حفظ حاشیه سود، توانایی بهبود و کارایی عملیات، توانایی تأمین مالی، توانایی تعامل با کارمندان و اتحادیه‌های کارگری و توانایی به‌کارگیری روش‌های جدید.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که مدیران توانمندتر دارای تجدید ارائه‌های کمتر، خطاهای کمتر در محاسبات مطالبات سوخت شده و برآوردهای اقلام تعهدی باکیفیت بالاتری هستند

### پیشینه تجربی پژوهش

منصورفر و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف اصلی این مقاله، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود است. برای دستیابی به این هدف از گزارش‌های مالی ۹۲ شرکت طی دوره‌های مالی ۸۱ تا ۹۰ استفاده شده است. توانایی مدیریت از طریق متد تحلیل پوششی داده‌ها و کیفیت سود با استفاده از سه معیار تجدید ارائه سود، پایداری سود و کیفیت اقلام تعهدی اندازه‌گیری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که توانایی مدیریت تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت سود گذاشته، همچنین، باعث پایداری بیشتر سود و کیفیت بهتر اقلام تعهدی می‌شود. بر اساس تحلیل‌های انجام‌یافته، بین توانایی مدیریت و معیار تجدید ارائه سود رابطه معناداری یافت نشد.

بزرگ اصل و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف پژوهش، بررسی رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود به تفکیک اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور اثر توانایی مدیریت بر پایداری سود با استفاده از داده‌های ۷۵ شرکت طی دوره ۷ ساله از ابتدای سال ۱۳۸۴ تا پایان سال ۱۳۹۰، به کمک رگرسیون خطی چندمتغیره ارزیابی شده است. برای اندازه‌گیری توانایی مدیریت از مدل دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲) و پایداری سود و اجزای آن از مدل لو (۱۹۸۳) استفاده شده است. نتایج تحقیق مؤید وجود رابطه مثبت بین توانایی مدیریت و پایداری سود و همچنین توانایی مدیریت و پایداری اجزای تعهدی و نقدی سود است، ولی رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بخش تعهدی نسبت به بخش نقدی قوی‌تر است.

شکرخواه و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی نقش تجربه در تصمیم‌گیری‌های مدیریت و جایگاه حسابداران مدیریت پرداختند. در این پژوهش به بررسی توانایی حسابداران مدیریت در شناسایی و تحلیل اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری در مورد تخصیص منابع پرداخته شده است. در همین راستا معیارهای شناسایی شده در فرآیند تصمیم‌گیری مربوط به یک موضوع خاص، توسط دو گروه حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای مقایسه شده است. نتایج نشان می‌دهد که افراد حرفه‌ای، معیارهای اندازه‌گیری مربوطتری را شناسایی می‌کنند و احتمال اتخاذ تصمیم مناسب‌تر و بهینه‌تر با افزایش تجربه حرفه‌ای افراد، بیشتر می‌گردد.

رضایی نژاد و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت سود پرداختند. جهت بررسی این رابطه، تعداد ۲۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ انتخاب شده‌اند. برای محاسبه کیفیت سود، از معیارهای ارائه مجدد سود، پایداری سود و کیفیت ارقام تعهدی استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش، نشان داد که با استفاده از هر سه معیار، محاسبه کیفیت سود، توانایی مدیریت بر کیفیت سود اثرگذار می‌باشد؛ بدین صورت که مدیران توانا تر سودهای باکیفیت بالاتری گزارش می‌دهند.

عرب مازار و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه خود با عنوان بررسی تأثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی، با تأکید بر موضوع شفافیت گزارشگری مالی، به بررسی ارتباط آن با گزارشگری مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر وجود رابطه مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی است، به طوری که در صورت تهیه گزارشگری مالیاتی به‌ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تأمین می‌شود.

دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی تأثیر توانایی مدیریت بر چهار ویژگی کیفی سود شامل تعدد ارائه مجدد صورت‌های مالی، پایداری سود، کیفیت ارقام تعهدی و میزان خطای برآورد در مطالبات مشکوک الوصول را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که میزان توانایی مدیریت با هرکدام از چهار ویژگی ذکر شده رابطه مثبت دارد. آن‌ها همچنین به این نتیجه رسیده‌اند که توانایی مدیریت بر پایداری بخش تعهدی سود به‌صورت مستقیم تأثیرگذار است. آنان در تحقیق خود، به‌منظور ارزیابی توانایی مدیریت، از مدل دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، استفاده کردند. دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، در تحقیق خود اقدام به ارائه مدلی کرده‌اند که با استفاده از متغیرهای حسابداری قابلیت ارزیابی توانایی مدیریت را دارد. مدل‌های قبل از آن توانایی مدیریت را با استفاده از متغیرهای غیر حسابداری ارزیابی می‌نمودند.

آندرو و همکاران (۲۰۱۳) که در تحقیق خود به‌منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از مدل دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده کرده‌اند، رابطه توانایی مدیریت و عملکرد شرکت در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ را مورد بررسی قرار دادند. آنان با بررسی داده‌های مربوط به ۲۳۴۴ شرکت بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیریت با عملکرد شرکت رابطه مستقیم دارد و در طول بحران ۲۰۰۸ مدیران توانا تر منابع شرکت، بدهی‌ها و مخارج سرمایه‌ای را نسبت به مدیران دارای توانایی پایین‌تر، به‌صورت کارا تر مدیریت کرده‌اند.

لورتی و گریس (۲۰۱۲) دریافتند که توانایی مدیران بر عملکرد شرکت‌هایی که با بحران مواجه هستند، تأثیر بسزایی دارد. آن‌ها ۲۳۰۰ شرکت بیمه را در دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۸۹ مطالعه کرده و نتیجه گرفتند که توانایی مدیران ارتباط معکوس با مدت زمان باقی ماندن شرکت در بحران مالی (تنگنا) و احتمال ورشکستگی دارد؛ به طوری که مدیران شرکت‌های ورشکسته مهارت و توانایی کمتری نسبت به مدیران سایر شرکت‌ها دارند.

بامبر و همکاران (۲۰۱۲) در پاسخ به این سؤال که آیا مدیران مستقل نقش بااهمیتی را در میزان افشای اطلاعات مالی داوطلبانه شرکت‌ها ایفا می‌کنند یا نه، دریافتند که مدیران اجرایی رده‌بالا تأثیرات مهم و منحصر به فردی را روی میزان افشای اطلاعات مالی داوطلبانه شرکت‌ها اعمال می‌کنند

### فرضیه پژوهش

فرضیه اول: شرکت‌هایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی قابل اتکاتری نسبت به سایر شرکت‌ها ارائه می‌نمایند

فرضیه دوم: شرکت‌هایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی به موقع تری نسبت به سایر شرکت‌ها ارائه می‌نمایند

### روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات نیمه تجربی پس‌رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته انجام گرفته است. از نظر روش تحلیل داده‌ها نیز تحقیق همبستگی است، زیرا پژوهش حاضر در پی یافتن رابطه بین متغیرهای پژوهش در یک جامعه آماری است. داده‌های

پژوهش از لوح‌های فشرده آرشیو آماری و تصویری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار ره‌آورد نوین گردآوری گردید. در نهایت، با توجه به حجم نمونه‌ها، از نرم‌افزار ایویوز نسخه یازدهم و استاتا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ است. نمونه انتخابی پژوهش در نگاره (۱) خلاصه شده است.

پس از اعمال محدودیت‌های اعمال شده تعداد ۱۶۷ شرکت و ۱۶۷۰ مشاهده (سال-شرکت) به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

نگاره (۱): پراکندگی شرکت‌ها بر اساس صنعت

پراکندگی شرکت‌ها بر اساس نوع صنعت		
۱	پتروشیمی، فرآورده‌های نفتی، شیمیایی، لاستیک و پلاستیک	۴۰٪
۲	مواد و محصولات دارویی	۲۳٪
۳	فلزات اساسی و محصولات فلزی	۲۰٪
۴	سیمان، آهک و گچ	۲۰٪
۵	خودرو و ساخت قطعات	۱۶٪
۶	محصولات کانی، غیرفلزی و سایر معادن	۹٪
۷	زراعت و خدمات وابسته	۸٪
۸	کاشی و سرامیک	۶٪
۹	مواد غذایی (شامل قند و شکر)	۵٪
۱۰	ماشین‌آلات، تجهیزات و دستگاه‌های برقی	۵٪
۱۱	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۵٪
۱۲	محصولات کاغذی	۴٪
۱۳	رایانه	۲٪
۱۴	سایر	۴٪
	جمع	۱۶۷٪

### الگوی رگرسیونی و نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل:

#### توانمندی مدیریت

متغیر مستقل در این تحقیق توانایی مدیریت می‌باشد که برای اندازه‌گیری آن از روش دمیجان و همکارانش استفاده می‌کنیم. اندازه‌گیری آن‌ها از توانمندی مدیریتی، برآوردی از چگونگی کارایی مدیران در زمینه استفاده از منابع شرکت‌ها را ایجاد می‌کند. طبق روش دمیجان و همکاران، ما تحلیل پوششی داده‌ها را در شرکت‌ها با مقایسه فروش انجام شده نسبت به ورودی استفاده شده مورد بررسی قرار می‌دهیم. ورودی‌هایی مانند (اجاره عملیاتی، هزینه‌های اداری، هزینه تحقیق و توسعه، سرقفلی، دیگر دارایی‌های نامشهود، بهای تمام شده کالای فروش رفته CGS) منابع اندازه‌گیری شده ما در نتیجه منعکس دارایی‌ها (مشهود و نامشهود)، سرمایه‌های نوآور (تحقیق و توسعه) و دیگر ورودی‌هایی که به‌طور جداگانه در صورت‌های مالی گزارش نمی‌شوند (نیروی کار، خدمات مشاوره‌ای) ولی آن دسته هزینه‌هایی که شامل بهای تمام شده کالای فروش رفته هستند.

برای پیاده‌سازی شاخص بهره‌وری ما مشکل بهینه‌سازی را حل می‌کنیم:

$$\max_{\nu} \theta = \frac{\text{sales}}{\nu_1 CoGS + \nu_2 SG \& A + \nu_3 PPE + \nu_4 OpsLease + \nu_5 R \& D + \nu_6 Goodwill + \nu_7 OtherIntan}$$

بهینه‌سازی برای شرکت خاص را از هفت ورودی مطلوب برای آن تعریف می‌کنیم. اگر این معیار به یک نزدیک باشد کارایی بیشتر یعنی نشان می‌دهد که از ورودی‌های حاصله به نحو مطلوب استفاده شده و هر چه به سمت صفر نزدیک شود نتیجه استفاده نامطلوب از داده‌ها می‌باشد. شاخص بهره‌وری از نسبت کارایی تولید DEA همان  $\theta$  می‌تواند از ارزش‌های بین صفر و یک را کسب کند. مشاهده بهره‌وری‌ها، بهره‌وری‌های کمتر از یک را کمتر از مرز سنجش می‌کند. بهره‌وری‌های کمتر از یک به‌عنوان بهره‌وری‌های ناکارآمد شناسایی می‌شوند. مثلاً نرخ ۰.۸۵٪ ضعیف است، بایستی ورودی‌ها کاهش یابند تا ۰.۱۵٪ کارایی باقیمانده را کسب کند.

شاخص بهره‌وری حاصل‌شده توسط برآورد DEA قابلیت نسبت دادن هم به شرکت و هم به مدیر است. زیرا یک مدیر قوی صرف‌نظر از اندازه شرکت بهتر قادر به پیش‌بینی روند خواهد بود درحالی‌که یک مدیر در یک شرکت بزرگ‌تر بدون در نظر گرفتن کیفیت در توانایی خود بهتر قادر به مذاکره با تأمین‌کنندگان می‌باشد. بر این اساس، در مرحله دوم از برآورد توانمندی مدیریتی طبق دمیرجان و همکارانش سعی در شفاف‌سازی برآورد کارایی اولیه که از مدیران فعلی می‌باشد، داریم. این در معادله بعدی انجام‌شده، جایی که برآورد اولیه بر پایه‌ی اندازه شرکت، سهام بازار، جریان‌ات نقدی آزاد، تعداد بخش‌ها، و شاخصی برای انجام عملیات جهانی برای هر سال و هر صنعت انجام‌شده است:

$$\text{Firm efficiency}_i = \beta_0 + \beta_1 \ln(\text{Total Asset}_i) + \beta_2 \text{Market Share}_i + \beta_3 \text{Positive Cash Free}_i +$$

$$\beta_4 \ln(\text{Segments}_i) + \beta_5 (\text{Foreign Currency Indicator}_i + \text{Year}_i + \varepsilon_i$$

هدف برآورد در نظر گرفته‌شده این است که مزایا یا چالش‌هایی که برای برخی از شرکت‌های خاص وجود دارد از آن دوری کند. جایی که شرکت‌های بزرگ‌تر که دارای سهام بازار و نقد بیشتری هستند انتظار توان تولید بیشتری از سطح فروش به‌عنوان ورودی را دارا هستند و شرکت‌هایی که دارای پیچیدگی‌های اضافی هستند از قبیل شرکت‌های تلفیقی یا چندگانه و یا فعالیت‌های خارجی، انتظار توان تولید کمتری از سطح فروش را به‌عنوان ورودی دارا هستند. باقی‌مانده برآورد سنجش اصلی ما از توانایی‌های مدیریتی است.

متغیر وابسته:

قابلیت اتکا و مربوط بودن گزارشات مالی

متغیر وابسته در این پژوهش بهبود قابلیت اتکا و مربوط بودن گزارشات مالی شرکت‌ها می‌باشد. که هر سه ماه یک‌بار برای رتبه‌بندی سازمان‌ها افشاء می‌شود برای اندازه‌گیری قابلیت اتکا اطلاعات فهرستی از موارد افشاء با مطالعه و بررسی استانداردهای حسابداری ایران قانون تجارت، قانون مالیات‌های مستقیم و مجموعه قوانین و مقررات بورس اوراق بهادار تهران، و سپس با مطالعه صورت‌های مالی و گزارش‌های مالی ارزش‌های "یک"، "صفر" و "مورد ندارد" به ترتیب برای قابلیت اتکا، عدم قابلیت اتکا یا عدم شرایط لازم برای افشاء داده شد. پس از ارزش‌گذاری‌های لازم، شاخصی به‌عنوان کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از رابطه

$$QF = \frac{\sum_{j=1}^m dj}{\sum_{j=1}^n H_j}$$

محاسبه می‌شود. در این رابطه  $\sum dj$  بیانگر کلیه اقلامی است که امتیاز "یک" گرفته‌اند و  $\sum H_j$  بیانگر کلیه اقلامی است که ارزش "یک و صفر" در مورد آن‌ها لحاظ شده است. به این ترتیب برای هر شرکت قابل اتکا بودن گزارش مالی اندازه‌گیری می‌گردد. از این رویکرد در تحقیق افرادی مانند والاس (۱۹۸۸)، کوک (۱۹۸۱-۱۹۹۲-۱۹۹۱)، احمد و نیکولس (۱۹۹۴) و اسو-انس (۱۹۹۸) استفاده شده است.

در این پژوهش فاصله بین پایان سال مالی و تاریخ اعلام سود (LGA) به عنوان کندی در گزارشگری تعریف شده از معیار (DEL) برای نشان دادن تغییر به موقع بودن گزارشگری از دوره‌ای به دوره بعد استفاده می‌شود. به‌ویژه آنکه:

$$DEL_{i:t} = LAG_{i:t} - LAG_{i:t-1}$$

$DEL_{i:t}$  = تأخیر در گزارشگری

$LAG_{i:t}$  = کندی در گزارشگری، که فاصله بین پایان سال مالی و تاریخ گزارشگری نامیده می‌شود.

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت: برای سنجش متغیر اندازه و تعریف آن از لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت (برحسب میلیون ریال) استفاده می‌شود. (محمدآبادی، مشایخی و میرزایی عباس‌آبادی)

اهرم مالی: اهرم مالی میزان استفاده از بدهی برای تأمین دارایی‌ها را نشان می‌دهد. برای سنجش اهرم مالی شرکت از جمع کل بدهی به جمع کل دارایی‌ها استفاده می‌شود.

معیارهای مربوط به مالکیت نهادی مالکیت نهادی:

میزان مالکیت نهادی: مطابق تعریف ارائه شده و مورداستفاده در پژوهش‌های روبین (۲۰۰۷) و کوئو (۲۰۰۹)، برای محاسبه میزان مالکیت نهادی مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سازمان‌ها و نهادهای دولت و شرکت‌های دولتی بر کل سهام منتشره شرکت، تقسیم شده و درصد یا میزان مالکیت نهادی به دست آمده است.

تمرکز مالکیت نهادی (سهامداران عمده): برای محاسبه تمرکز مالکیت نهادی از شاخص هرفیندال - هریشمن استفاده شده است. شاخص هرفیندال - هریشمن شاخصی اقتصادی است که برای سنجش میزان انحصار در بازار استفاده می‌شود. بدین ترتیب درصد سهام هر یک از مالکان نهادی به توان دو رسیده و باهم جمع می‌شوند. حاصل بین ۰ تا ۱ بوده و هرچه قدر به ۱ نزدیک‌تر باشد، تمرکز بیشتر است:

$$OCON = \sum (\text{درصد مالکیت هر نهاد})^2$$

نوع گزارش حسابرسی: محققانی چون هرمانسون و دیگران (۲۰۰۷)؛ دیلویت (۲۰۱۰) و رحیمیان و همکاران (۱۳۹۰) از انتشار گزارش غیرمقبول به عنوان شاخصی برای کیفیت حسابرسی یا استقلال حسابرس استفاده کرده‌اند. شرکت‌هایی که دارای گزارش تعدیل شده بوده‌اند دارای عدد یک و سایر شرکت‌ها دارای عدد صفر بوده‌اند.

### آمار توصیفی

روش‌هایی را که به وسیله آن‌ها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند. این نوع آمار صرفاً به توصیف جامعه یا نمونه می‌پردازد و هدف از آن محاسبه پارامترهای جامعه یا نمونه تحقیق است (آذر و مؤمنی، ۱۳۸۹). در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار، چولگی و کشیدگی انجام پذیرفته است.

#### جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

انحراف معیار	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	تعداد	
86.45	127.13	317.00	1	714	قابلیت اتکاء
0.73	0.91	6.06	0.07	713	نسبت کارایی
2.38	4.17	7.87	3.21	714	اندازه شرکت

0.27	0.67	1.58	0.08	714	اهرم مالی
29.03	19.73	99.08	0	713	میزان مالکیت نهادی
0.24	0.13	0.97	0	714	تمرکز مالکیت نهادی

### فرضیه اول:

شرکت‌هایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی قابل‌اتکاتری نسبت به سایر شرکت‌ها ارائه می‌نمایند. در صورتی که بخواهیم فرضیه فوق را به صورت آماری بیان نماییم، خواهیم داشت:

{ شرکت‌هایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی قابل‌اتکاتری نسبت به سایر شرکت‌ها ارائه نمی‌نمایند  $H_0$   
 { شرکت‌هایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی قابل‌اتکاتری نسبت به سایر شرکت‌ها ارائه می‌نمایند  $H_1$

برای ارزیابی فرضیه اول پژوهش مدل رگرسیونی زیر را به مشاهدات برازش می‌دهیم:

$$Reliability_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 DEA_{i,t} + \beta_2 size_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 L\_own_{i,t} + \beta_5 TL\_own_{i,t} + \beta_6 A\_report_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (4-1)$$

که در آن  $DEA_{i,t}$  نسبت کارایی و نشان از توانمندی مدیران،  $Reliability_{i,t}$  قابلیت اتکاء می‌باشد لذا در فرضیه اول پژوهش اگر ضریب رگرسیونی  $\beta_1$  معنادار باشد؛ فرضیه تأیید خواهد شد. در مدل مذکور متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت نهادی و نوع گزارش حسابرس به‌عنوان متغیرهای کنترلی مدنظر می‌باشند. در گام نخست اجرای مدل رگرسیونی فوق با استفاده از آزمون F لیمر می‌توان وجود ناهمگنی را در بین مقاطع مشخص کرد. فرضیه صفر آماره F مبتنی برهمگن بودن مقاطع است.

### جدول ۲. آزمون F لیمر برای تعیین روش پانل یا پولینگ

Effects Test	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
Cross-section F	4.967313	(166.599)	0.0000
Cross-section Chi-square	433.750847	101	0.0000
Period F	17.634377	(6.597)	0.0000
Period Chi-square	115.993597	6	0.0000
Cross-Section/Period F	5.619252	(166.597)	0.0000
Cross-Section/Period Chi-square	495.458775	106	0.0000

چنانچه فرضیه صفر رد شود، فرضیه مقابل آن مبتنی بر وجود ناهمگنی بین مقاطع (پانل دیتابودن داده‌های آماری) پذیرفته می‌شود. اگر F لیمر محاسبه شده از F لیمر جدول کوچک‌تر باشد از داده‌های تلفیقی و در غیر این صورت از داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. نتایج آزمون F لیمر در جدول مذکور بیانگر رد فرضیه صفر و وجود ناهمگنی بین مقاطع در سطح ۵ درصد می‌باشد. در واقع بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل می‌باشد. بنابراین برای تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده نموده‌ایم که نتایج آن در جدول ۴-۵ ارائه شده است. در حقیقت بعد از اینکه مشخص شد ناهمگنی در مقاطع وجود دارد و تفاوت‌های فردی قابل لحاظ کردن است و روش داده‌های پانلی برای برآورد مناسب است، باید مشخص شود که خطای تخمین، ناشی از تغییر در مقاطع است یا اینکه در طی زمان رخ داده‌هاست. در نحوه در نظر گرفتن چنین خطاهایی با دو اثر ثابت و اثر

1. Institutional ownership

2. Audit reports



تصادفی مواجه هستیم. از آزمون هاسمن برای مشخص شدن اثر ثابت یا تصادفی استفاده می‌شود. در آزمون هاسمن، فرضیه صفر آن مبتنی بر تصادفی بودن خطاهای برآوردی است که نتایج آن در جدول فوق انعکاس یافته است.

### جدول ۳. آزمون هاسمن برای تعیین اثرات ثابت یا تصادفی

آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
15.822056	6	0.0146

نتایج جدول فوق بیانگر آن است که در این مورد فرضیه صفر رد شده ( $0/05 < p\text{-value} = 0/0146$ ) و اثرات ثابت برای برآورد مدل مناسب است. در جدول زیر برآورد ضرایب رگرسیونی برای هر یک از متغیرهای پیش‌بین مدل ۴-۱ ارائه شده است.

### جدول ۴. خلاصه نتایج برازش مدل رگرسیونی و برآورد ضرایب

متغیرها	نماد ضریب	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
ضریب ثابت	$\beta_0$	48.71986	13.19135	3.693321	0.0003	
توانمندی مدیریت	$\beta_1$	0.019014	0.006657	2.855738	0.0045	مستقیم و معنادار
اندازه شرکت	$\beta_2$	0.063081	1.486523	0.042433	0.9663	مستقیم
اهرم مالی	$\beta_3$	98.30574	11.46378	8.575328	0.0000	مستقیم و معنادار
میزان مالکیت نهادی	$\beta_4$	0.752832	0.327474	2.298907	0.0217	مستقیم و معنادار
تمرکز مالکیت نهادی	$\beta_5$	-97.17137	39.64493	-2.451043	0.0144	معکوس و معنادار
نوع گزارش حسابرس	$\beta_6$	4.941743	6.593397	0.749498	0.4537	مستقیم
نتایج کلی مدل	ضریب تعیین	0.396866		آماره F	14.28618	
	آماره دوربین واتسون	1.937427		سطح معناداری	0.000000	

نتایج جدول زیر نشان می‌دهد که آماره فیشر ( $F_{df_1=6, df_2=598} = 14/286$ ) و بیشتر از آماره متناظر در جدول فیشر می‌باشد لذا مدل برازش داده شده معنادار بوده و از کارایی قابل قبول برخوردار می‌باشد. ( $0/05 < p\text{-value} = 0/000$ ). ضریب تعیین در مدل مذکور نشان می‌دهد که ۱۹/۶۸٪ تغییرات قابلیت اتکاء بر اثر تغییرات متغیر توانمندی مدیریت و متغیرهای کنترلی مدل می‌باشد. با توجه به علامت‌های ضرایب رگرسیونی این‌گونه استنباط می‌شود که توانمندی مدیریت رابطه مستقیم با قابلیت اتکاء دارد البته با عنایت به اینکه سطح معناداری متناظر با متغیر مذکور ۰/۰۰۴۵ و کمتر از ۰/۰۵ است تأثیر توانمندی مدیریت بر قابلیت اتکاء معنادار می‌باشد.

با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده و یافته‌های مدل رگرسیونی در جدول فوق نتیجه می‌گیریم که فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه "شرکت‌هایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی قابل اتکاتری نسبت به سایر شرکت‌ها ارائه می‌نمایند." با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می‌شود. با توجه به ضرایب رگرسیونی و سطح معناداری متناظر با متغیرهای کنترلی در مدل ۴-۱؛ تأثیر

شاخص‌های اهرم مالی شرکت و مالکیت نهادی بر قابلیت اتکاء مستقیم و معنادار و متغیر تمرکز مالکیت نهادی معکوس و معنادار می‌باشد.

### فرضیه دوم:

شرکت‌هایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی به‌موقع تری نسبت به سایر شرکت‌ها ارائه می‌نمایند؛ در صورتی که بخواهیم فرضیه فوق را به‌صورت آماری بیان نماییم، خواهیم داشت:

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{شرکت‌هایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی به‌موقع تری نسبت به سایر شرکت‌ها ارائه نمی‌نمایند } H_0 \\ \text{شرکت‌هایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی به‌موقع تری نسبت به سایر شرکت‌ها ارائه می‌نمایند } H_1 \end{array} \right.$$

برای ارزیابی فرضیه دوم پژوهش مدل رگرسیونی زیر را به مشاهدات برازش می‌دهیم:

$$DEL_{it} = \beta_0 + \beta_1 DEA_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 L\_own_{it} + \beta_5 TL\_own_{it} + \beta_6 A\_report_{it} + \varepsilon_{it} \quad (4-2)$$

فرضیه دوم پژوهش در صورتی تأیید خواهد شد که ضریب رگرسیونی  $\beta_1$  متناظر با رابطه بین توانمندی مدیریت و به‌موقع بودن گزارشات مالی در مدل فوق معنادار باشد. از طرفی با عنایت به دو مقداری بودن شاخص به‌موقع بودن گزارشات مالی، برای اجرای مدل رگرسیونی فوق، از رگرسیون لجستیک استفاده می‌کنیم. روش انجام تحلیل رگرسیون لجستیک با رگرسیون معمولی متفاوت است، در رگرسیون معمولی برای برآورد پارامترها از روش حداقل کردن مجذور خطاها استفاده می‌شود. حال آنکه در رگرسیون لجستیک برای برآورد پارامترها از روش حداکثر درست‌نمایی (ML) استفاده می‌شود. در رگرسیون لجستیک برای بررسی معنی‌دار بودن مدل رگرسیون از آزمون کی دو (کای اسکور) (و برای بررسی معنی‌دار بودن وجود هر کدام از ضرایب از آزمون والد استفاده می‌شود). در رگرسیون لجستیک برای معتبر بودن تفسیر نتایج حجم نمونه باید بزرگ‌تر از حجم نمونه در رگرسیون خطی باشد. مطابق قواعد تجربی برای این رگرسیون حجم نمونه حداقل باید ۳۰ برابر پارامترهای برآورد شده (تعداد ضرایب متغیرهای پیشگو به همراه ضریب ثابت) باشد. بنابراین در این پژوهش و در بررسی فرضیه‌های تحقیق حداقل حجم نمونه باید ۲۱۰ باشد. (زنده دل، ۱۳۹۱) خلاصه نتایج برازش مدل رگرسیونی ۴-۲ در جدول زیر ارائه شده است.

### جدول ۵. خلاصه نتایج برازش مدل رگرسیونی و برآورد ضرایب

متغیرها	نماد ضریب	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
ضریب ثابت	$\beta_0$	-1.887166	0.483454	-3.903513	0.0001	
توانمندی مدیریت	$\beta_1$	0.005383	0.001478	3.643404	0.0155	مستقیم و معنادار
اندازه شرکت	$\beta_2$	0.208365	0.052402	5.412861	0.0084	مستقیم و معنادار
اهرم مالی	$\beta_3$	0.176707	0.478908	0.368981	0.7122	مستقیم
میزان مالکیت نهادی	$\beta_4$	-0.014017	0.011936	-1.174343	0.2404	معکوس
تمرکز مالکیت نهادی	$\beta_5$	1.719222	1.513308	1.136067	0.2558	مستقیم
نوع گزارش حسابرس	$\beta_6$	-0.042466	0.270513	-0.156982	0.8754	معکوس
نتایج کلی مدل	ضریب تعیین کاکس	0.423588		آماره آزمون	4.676356	
	ضریب تعیین ناگلکریک	0.5413893		سطح معناداری	0.046171	

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که آماره آزمون درست نمائی در مدل رگرسیونی  $4/67$  و سطح معناداری متناظر با آن  $0/046$  می‌باشد بنابراین مدل برازش داده شده کارایی قابل قبولی دارد. ( $0/05 < p - value = 0/000$ ) در مدل رگرسیون لجستیک ضریب تعیین مدل بین دو ضریب تعیین برآورد شده کاکس و ناگلکریک می‌باشد لذا بین  $43$  تا  $54$  درصد تغییرات شاخص به موقع بودن گزارشات مالی بر اثر متغیرهای توضیحی در مدل مذکور بوده است. ضریب رگرسیونی متناظر با متغیر مستقل، توانمندی مدیریت،  $0/00538$  و سطح معناداری متناظر با آن  $0/0155$  و کمتر از  $0/05$  می‌باشد بنابراین تأثیر توانمندی مدیریت بر به موقع بودن گزارشات مالی مستقیم و معنادار است و به عبارت دقیق تر با بالا بودن توانمندی مدیریت گزارشات به موقع ارائه خواهد شد. با عنایت به معناداری ضریب رگرسیونی فرضیه دوم تحقیق مبنی بر اینکه "شرکتهایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی به موقع تری نسبت به سایر شرکتها ارائه می‌نمایند" با اطمینان  $0/95$  تأیید می‌گردد

## نتیجه‌گیری پژوهش

### فرضیه اول

فرضیه: شرکتهایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی قابل اتکاتری نسبت به سایر شرکتها ارائه می‌نمایند  
فرضیه اول پژوهش در صورتی تأیید خواهد شد که ضریب رگرسیونی  $\beta_1$  متناظر با رابطه بین توانمندی مدیریت و به موقع بودن گزارشات مالی در مدل فوق معنادار باشد. از طرفی با عنایت به دو مقداری بودن شاخص به موقع بودن گزارشات مالی، برای اجرای مدل رگرسیونی فوق، از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. روش انجام تحلیل رگرسیون لجستیک با رگرسیون معمولی متفاوت است، در رگرسیون معمولی برای برآورد پارامترها از روش حداقل کردن مجذور خطاها استفاده می‌شود. حال آنکه در رگرسیون لجستیک برای برآورد پارامترها از روش حداکثر درست نمایی (ML) استفاده می‌شود. در رگرسیون لجستیک برای بررسی معنی دار بودن مدل رگرسیون از آزمون کی دو (کای اسکور) و برای بررسی معنی دار بودن وجود هر کدام از ضرایب از آزمون والد استفاده می‌شود.

طبق این فرضیه انتظار داشتیم که با افزایش توانمندی مدیران شرکتها و تیم مدیریت شرکتها اطلاعات و گزارشها از قابلیت بیشتری برخوردار باشند چراکه مدیران ضعیف و ناتوان مبادرت به تغییر مستمر ارقام عملکردی خود می‌نمایند و هر چه مدیران توانایی بالاتری داشته باشند نسبت به هرگونه تغییر در ارقام و قابلیت اطلاعات خود حساس ترند لذا این گونه شرکتها روی رتبه شفافیت خود حساس هستند و ارقام بودجه‌ای خود را نیز مستمراً تغییر نمی‌دهند.  
. باید توجه داشت سهامداران با داشتن این قابلیت‌های اتکای مالی، می‌توانند در تصمیم‌های با دقت بیشتر و پیش‌بینی بهتری از آینده شرکتها اتخاذ نمایند. نتیجه این فرضیه با تحقیق، کانگارتنام و همکاران (۲۰۰۷) همسو می‌باشد.

### فرضیه دوم

فرضیه: شرکتهایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، گزارشات مالی به موقع تری نسبت به سایر شرکتها ارائه می‌نمایند  
فرضیه دوم پژوهش در صورتی تأیید خواهد شد که ضریب رگرسیونی  $\beta_1$  متناظر با رابطه بین توانمندی مدیریت و به موقع بودن گزارشات مالی در مدل فوق معنادار باشد. از طرفی با عنایت به دو مقداری بودن شاخص به موقع بودن گزارشات مالی، برای اجرای مدل رگرسیونی فوق، از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. روش انجام تحلیل رگرسیون لجستیک با رگرسیون معمولی متفاوت است، در رگرسیون معمولی برای برآورد پارامترها از روش حداقل کردن مجذور خطاها استفاده می‌شود. حال آنکه در رگرسیون لجستیک برای برآورد پارامترها از روش حداکثر درست نمایی (ML) استفاده می‌شود. در رگرسیون لجستیک برای بررسی معنی دار بودن مدل رگرسیون از آزمون کی دو (کای اسکور) و برای بررسی معنی دار بودن وجود هر کدام از ضرایب از آزمون والد استفاده می‌شود.

بر اساس این فرضیه مدیران دارای قدرت و توانمندی بالاتر سعی می‌کنند ارقام و گزارشات خود را صحیح و بدون اشکال گزارش نمایند تا اعتماد بازار و سهامداران بیشتر و بیشتر گردد و وضعی در این خصوص از خود نشان نمی‌دهند به عبارتی دیگری این دو رابطه‌ای مستقیم باهم دارند و با افزایش توانمندی گزارشات دارای بند حسابرسی کمتر و مقبول بدون بند توضیحی هستند. نتایج این پژوهش با تحقیق دمیرجان و همکاران (۲۰۱۳)، آندرو و همکاران (۲۰۱۳) و لورتی و گریس (۲۰۱۲) همسو می‌باشد. آن‌ها در پژوهش خود توانایی مدیریت را با ویژگی‌های کیفی سود و عملکرد شرکت‌ها سنجیدند و نتایج حاکی از وجود رابطه مستقیم بین توانایی مدیریت با عملکرد شرکت‌ها و ویژگی‌های کیفی سود بود.

### منابع

- احمد پور، ا.، و رسائیان، ا. (۱۳۸۵). رابطه اطلاعات مالی و اختلاف قیمت پیشنهادی خریدوفروش سهام. نامه اقتصادی مفید، سال دوازدهم، ۴۸-۲۹.
- رضایی‌نژاد، فرشاد؛ اکبر دهقان؛ محبوبه بادی و معصومه بادی، ۱۳۹۲، تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود: بررسی موردی بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، شیراز، موسسه بین‌المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی،
- یداله تازی وردی؛ ۱۳۸۶، حسابداری مالی (صورت‌های مالی تلفیقی) چاپ سوم انتشارات عابد تهران بزرگ اصل، موسی؛ صالح زاده، بیستون؛ ۱۳۹۴؛ رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران؛ دانش حسابرسی؛ سال چهاردهم؛ شماره ۵۸
- شکر خواه، جواد؛ قربانی، محمود؛ فلاح، هادی؛ ۱۳۹۳؛ نقش تجربه در تصمیم‌گیری‌های مدیریت و جایگاه حسابداران مدیریت؛ دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت؛ دوره ۳؛ شماره ۱۰؛ صص ۱۱۶-۱۰۷
- منصور فر، غلامرضا؛ دیدار، حمزه؛ حسین پور، وحید؛ ۱۳۹۴؛ بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛ پژوهش‌های حسابداری مالی؛ سال ۷؛ شماره ۱
- اسماعیلیان، مهدی. ۱۳۸۵. راهنمای جامع SPSS14. چاپ اول. موسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران
- نگهبان، حمید رضا. ۱۳۸۰. پردازش داده‌ها با MINITAB چاپ اول. انتشارات جهاد دانشگاهی فارس
- نواب پور، حمید رضا. ۱۳۸۲. محاسبات آماری با کامپیوتر. چاپ دوم. انتشارات دانشگاه پیام نور
- مرادی، علیرضا. ۱۳۸۸. کاربرد Eviews در اقتصادسنجی، چاپ سوم. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران
- عرب مازار، علی‌اکبر و طالب نیا، قدرت اله و وکیلی فرد، حمیدرضا و صمدی لرگانی، محمود، ۱۳۸۹، "تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال سوم، شماره نهم.
- مدرس، احمد و رضا حصار زاده. (۱۳۸۷)، کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ش ۲

- Andreou, p., D. Ehrlich, and C. louca. (2013). Managerial ability and Firm performance: Evidence from the global financial crisis. Working paper. Available at <http://www.mfsociety.org>
- Demerjian, P., B. Lev, M. Lewis, and S. MacVay. (2013). Managerial ability and Earnings quality. The Accounting Review 88(2): 463 -498

- Baik, B., Choi, S., Farber, D. and Zhang, J. (2012). "Managerial Ability and Earning Quality: An International Analysis". SOAR Seminar Series. Seoul National University. Level 4. Meeting Room 4.
- Belkaoui, R.A. (2000); "Accounting Theory". 1st Edition. Thomson Learning
- Botosan, C. (1997). "Disclosure Level and The Cost of Equity Capital". Accounting Review. 72
- LEVITT, M.C (1998). "The Numbers Game.". NYU Center for Law and Business. New York, N.Y. SEPTEMBER 28, 1998
- Bamber, L.S., Jiang, J. and Wang, I.Y. (2012). "What's My Style? The Influence of Top Managers on Voluntary Corporate Financial Disclosure". The Accounting Review. Vol. 85. No. 4. Pp. 1131-1162.
- Leverly, J.T. and Grace, M. (2012). "Dupes or Incompetents? An Examination of Management's Impact on Firm Distress". Journal of Risk and Insurance. Vol. 79. No. 3. Pp. 751-783.
- Hajjiha, Z. and Gilavi, M. (2012). "The Effect of Management Ability on Earning Persistence in Production Companies Listed in Tehran Stock Exchange". European Journal of Economics, Finance And Administrative Sciences. Vol. 50. No. 1. Pp. 88-99.
- Verdi, R. (2006). "Financial Reporting Quality and Investment Efficiency". M.I.T. Working Paper.
- Wallace, R. S. O. Naser, K. (1995). "Firm-specific determinants of comprehensiveness of mandatory disclosure in the corporate annual reports of firms listed on the stock exchange of Hong Kong". Journal of Accounting and Public Policy. 14 (4). 311-368.
- Wallace, R.S. Olusegun, Kmal Naser and Araceli Mara (1994). "The relationship between the comprehensiveness of corporate annual reports and firm characteristics in Spain". Accounting and Business Research. vol. 25. no. 97